

تاریخ یکصد ساله احزاب چپ  
و جنبش انقلابی ایران

## پرچم ترقی و استقلال کشور همیشه در کف دگراندیشان بوده

عبدالحسین آگاهی

(5)

ترویج اندیشه مارکسیسم- لنینیسم به نحوی منظم و متشکل، یکی از وظایف عمده ای بود که حزب کمونیست ایران در برابر خود قرار داده بود. در دوره اوج جنبش رهائی بخش ملی ضد امپریالیستی (در گیلان، آذربایجان، خراسان) و پس از آن، این وظیفه بس مهم همیشه با جلب و همکاری دیگر نیروهای مترقی و دمکراتیک اجرا می شد.

درباره کار بزرگی که در این بخش از فعالیت حزب، از طریق تشویق و تبلیغ شفاهی صورت گرفته است، امروز می توان فقط از روی نتایج عملی حاصله از آن قضاوت کرد. اگر مطبوعات حزب و اتحادیه های کارگری را از همان ایام تدارک کنگره موسسان از نظر بگذرانیم، دیده می شود که علیرغم همه دسایس، خرابکاری ها، تهدیدها و ترورهای که از جانب نیروهای ارتجاع داخلی و امپریالیسم علیه حزب صورت گرفته، فعالیت حزب در رشته ایدئولوژی بطور کلی با سیر تکاملی چشمگیری پیشرفت داشته است. بعضی از ارگان های مطبوعاتی حزب را نام می بریم:

روزنامه های عدالت با شعار "رنجبران عالم اتفاق کنید" و ایران سرخ با شعار "رنجبران دنیا حقوق خود را مطالبه کنید!" ( سال های 1299- 1300 چاپ رشت ) حقیقت با شعار "رنجبر روی زمین اتحاد!"، اقتصاد ایران، کار، پیکار ( سال های 1299- 1302 چاپ تهران ) پیکار، نهضت ( سال های 1309- 1310 چاپ برلن ) و غیره. مجله های خلق جرقه ( سال های 1301- 1302 چاپ تهران)، ستاره سرخ ( سال های 1308- 1310 وین ) و غیره.

در صفحات این مطبوعات است که حزب کمونیست ایران به ترویج سه بخش عمده ترکیبی مارکسیسم، یعنی سوسیالیسم علمی، اقتصاد سیاسی و فلسفه ماتریالیسم دیالکتیک می پردازد. مثلاً روزنامه " اقتصاد ایران" در یک رشته از مقالات مفصل خود تحت عنوان " کاپیتالیسم- سوسیالیسم، از توماس هرتا جنگ بین المللی"، به بررسی مجملی از رشد افکار سوسیالیستی، از سوسیالیسم تخیلی و سوسیالیسم علمی می پردازد ( از شماره 6، سال سوم، 1 اسد- مرداد- 1301 به بعد ) یا مجله خلق یک رشته پاورقی تحت عنوان عمومی " الفبای کمونیسم" به چاپ می رساند ( از شماره یکم به بعد ) همین مجله در یک سلسه از مقالات خود به آموزش اقتصاد سیاسی مارکس می پردازد. به این منظور مجله، نظری به سیر تکاملی اندیشه های اقتصادی از ازمنه قدیمه تا زمان مارکس و انگلس می اندازد، نظریات مرکانتیلیست ها (سوداگران) را تشریح می کند، خطاها و نارسائی های آن را نشان می دهد و سپس به بررسی انتقادی از بینش اقتصادی فیزیوکرات ها ( و بانی این مکتب کنه ) پرداخته مبارزه آن ها را با مرکانتیلیست ها توضیح می دهد. پس از این مقدمه، مجله به مطالعه نظریات اقتصادی داوید ریکاردو و آدام اسمیت می پردازد و بویژه تئوری ارزش را بیان می کند.

سپس مجله نقش مارکس را در پیشبرد دانش اقتصادی سیاسی و رفع نارسائی ها و خطاهای پیشینیان متذکر می شود. و با مجله ستاره سرخ در مقاله با ارزش زیر عنوان "ایده آلیسم یا ماتریالیسم"، برای اولین بار در تاریخ افکار پر غنای فلسفی ایران، به توضیح مسئله اصلی فلسفه پرداخته، مکتب مختلفه ایده ایستی و ماتریالیستی را مورد بررسی و تحلیل قرار می دهد. در این مقاله است که خواننده فارسی زبان برای نخستین بار با آثار فلسفی جاودانی چون اثر انگلس "لودویک فویرباخ و پایان فلسفه کلاسیک آلمان" و کتاب لنین "ماتریالیسم و امپیریوکریتیسیسم" آشنا می شود (ستاره سرخ، شماره 5-6، سال 1308) از مقالاتی که جنبه نظری داشتند می توان از روزنامه حقیقت، مقالات "پروگرام ارفورت تألیف کارل کائوتسکی" (شماره 2، سال اول، 10 جدی 1300) سیاست اقتصادی جدید روسیه (نپ) " (شماره 1، 9 جدی 1300 "سرمایه داری و مستملکات" شماره 4، 14 جدی 1300 "اول ماه مه" (شماره 68، 8 ثور 1301) از روزنامه اقتصاد ایران مقالات "احزاب سیاسی" (شماره 6، یک اسد 1301) و غیره را نام برد.

در دوران پیش از کنگره دوم، حزب کمونیست ایران همکاری نزدیک با جمعیت ها و سازمان های اجتماعی مترقی و دمکراتیک نظیر "جمعیت فرهنگ" رشت، "انجمن پرورش" قزوین، "جمعیت فرهیخت" انزلی و غیره داشت. در این گونه جمعیت ها و انجمن ها کوشندگان کمونیست فعالیت موثری داشتند.

"از روزنامه های منتسب به حزب" در این دوره رفیق فقید عبدالصمد کامبخش در کتاب خود، روزنامه نصیحت قزوین، به مدیریت میرزا یحیی واعظ کیوانی را نام می برد، که "بمناسبت مقالات پرشور انقلابی خود در کادری وسیع تر از محل انتشار معروفیت داشت." (همان کتاب، صفحه 30). محض نمونه از مجله فرهنگ، ارگان "جمعیت فرهنگ" رشت نیز نام می بریم، که مثلا در گزارشی پیرامون "اقدامات 8 ساله جمعیت" اهمیت "کشف علوم و پیروی از ترقی و تجدید فکری" را متذکر شده، بالا بردن سطح فرهنگ همگانی را برای پیشرفت اجتماع ضرور می داند، زیرا "جریانات عمومی و اجتماعی (رهبرها و پیشوایان را بوجود می آورند، نه رهبرها جریانات اجتماعی را." فرهنگ، شماره اول، 1304). همین مجله مقاله مفصلی در رثای میرزا **یحیی واعظ کیوانی**، مدیر روزنامه نصیحت قزوین درج می کند "که ناشر ترقی و آزادی، مظهر افکار متجددین و منورین بود و در تهران مقتول شد... این است وضع زندگی و قدر و قیمت و پاداش خدمت یک شاعر ملی، مدیر مدرسه ملی و جریده نگار ملی!!" (شماره 8، آبانماه 1304).

تحت تاثیر نیرومند اندیشه های انقلابی اکبر است که **ملک الشعرا بهار**، در روزنامه خود نوبهار، در یک رشته مقالات پیرامون سوسیالیسم و کمونیسم صحبت می کند، از سن سیمون، فوریه، اوئن و سپس مارکس، انگلس و لنین می نویسد، زیر عنوان "روسیه و کمونیسم" از گسترش جنبش کمونیستی در روسیه بحث می کند، بخش جداگانه ای از مقالات را به توضیح "برنامه کمونیسم روسیه" اختصاص می دهد، (نوبهار، 24 اکتبر 1922، 2 آبان ماه 1301).

البته این قبیل روزنامه ها را نمی توان هواداری جدی سوسیالیسم علمی دانست. آن ها خود نیز چنین ادعائی را نداشته اند. اما در هر حال این مثال ها حاکی از تاثیر گسترده اندیشه مارکسیستی در محافل مختلفه روشنفکری و دمکراتیک است.

حزب کمونیست ایران توجه خاصی به جنبش مترقی زنان ایران مبذول می داشت از جمعیت های مترقی بانوان در این دوره باید از جمعیت "بیک سعادت نسوان"، که در سال 1302 بوسیله عده ای از زنان روشنفکر رشت تاسیس شده بود و جمعیت "بیداری زنان" که در تهران ایجاد شده بود، نام برد. جمعیت "بیک سعادت نسوان" مدرسه و مجله ای نیز بهمین نام تاسیس کرده بود، که خدمت بزرگی به روشن شدن افکار زنان و بالا بردن میزان آگاهی آنان

می کرد. این جمعیت برای نخستین بار در ایران 8 ماه مارس را بعنوان روز بین المللی زنان پذیرفت و برگزار می کرد.

در نتیجه فعالیت حزب، بانوان فعالی که بتدریج از جمعیت متشکله در سال 1298 بنام "نسوان وطنخواه" دور شده بودند، در سال 1305 جمعیتی بنام "بیداری زنان" تشکیل دادند. این جمعیت به یک رشته اقدامات فرهنگی، برگزاری نمایش و غیره می پرداخت. در نمایش "دختر قربانی"، که این جمعیت روز 8 ماه مارس به تماشا گذاشته بود، سخنران هائی از تاریخ و اهمیت اجتماعی این روز بین المللی زنان صحبت کردند، که با استقبال پرشور حاضرین روبرو شد. در سال 1308 که ارتجاع ایران هجوم خود را نسبت به حزب کمونیست ایران و دیگر سازمان های مترقی و دمکراتیک توسعه داده بود، فعالیت این جمعیت نیز ممنوع شد.

حزب کمونیست ایران از همان آغاز کار خود توجه زیادی به جوانان کشور داشت. از اسناد مربوط به دوره تدارک 1298 نخستین کنگره موسسان دیده می شود که، حزب از همان زمان درصدد ایجاد سازمان جوانان بوده است. بالاخره سازمان جوانان حزب کمونیست ایران تشکیل می شود و سپس به عضویت "بین المللی جوانان کمونیست" در می آید.

یکی از طرق مهم کار سازمانی و ایدئولوژیک حزب، از همان دوران ایجادش، عبارت از فعالیت در درون سازمان ها و جمعیت های مترقی و دمکراتیک و همکاری نزدیک با آن ها بود.

کوشندگان حزب از زمان تدارک نخستین کنگره، با بقایای حزب دمکرات ایران، دیگر انجمن ها و جمعیت های ضدامپریالیستی بخصوص در آذربایجان، تهران، قزوین، همدان، کرمانشاه، شیراز و غیره نظیر "جمعیت آزادیخواهان"، "کمیته انتقام"، "جمعیت دمکرات ها" ارتباط نزدیک و همکاری داشتند. این جمعیت ها، گرچه بسیار مختصر، ولی در هر حال برنامه و مرامنامه ای داشتند. گرچه فعالیت این سازمان ها اغلب جنبه محلی داشت، ولی از لحاظ سازمانی دارای کنفرانس ها، کمیته ها، حوزه ها و محفل های منظم در شهرها و حتی دهات بودند.

یکی از این سازمان ها، که ارتباط دائمی و همکاری نزدیک با حزب کمونیست ایران داشت، حزب سوسیالیست ( **اجتماعیون** ) بر رهبری **سلیمان میرزا** - سلیمان محسن اسکندری بود. این حزب دارای ارگان های مطبوعاتی خود (مجله حقوق و غیره) و سازمان هائی در اغلب نقاط کشور بود. پایگاه طبقاتی این حزب نسبتا وسیع و بیشتر از افشار متوسط بورژوازی ملی، پیشه وران شهر و ده، اصناف بازار و روشنفکران دمکرات بود. رفیق فقید عبدالصمد کامبخش در کتاب خود می نویسد:

" پس از مرزبندی و تشکیل حزب اجتماعیون، این حزب یکی از مراکز فعالیت شد. **حزب کمونیست ایران درون حزب اجتماعیون دارای فراکسیون متشکل بود** و در کارهای سازمانی و اتخاذ روش سیاسی آن حزب تاثیر بسزائی داشت. برای کنگره دوم حزب اجتماعیون، که در نظر بود تشکیل گردد، عده زیادی از اعضای حزب کمونیست ایران از شهرهای مختلف تهران، تبریز، رشت، قزوین، مشهد و غیره به نمایندگی انتخاب شده بودند و اگر این کنگره تشکیل می شد، قطعا حزب کمونیست در آن نقش کوچکی نمی داشت. " ( همان کتاب، صفحه 31).

**حزب اجتماعیون** در بخش ایدئولوژیک نیز کمک به ترویج افکار سوسیالیستی می کرد. برای نمونه کافی است از سلسله مقالاتی که تحت عنوان "**سوسیالیسم**" در صفحات مجله حقوق از شماره یکم، ( اول جدی - دیماه 1301 به بعد) به چاپ رسیده است نام برد. مجله سعی دارد در این رشته مقالاتی با **زبانی نسبتا ساده**، مضمون عمده و مقصود اصلی سوسیالیسم را توضیح دهد. مجله می نویسد:

" این چه لفظی است و چه معنایی دارد، به چه شخصی سوسیالیست می گویند؟"

در پاسخ به این پرسش، مجله به اختصار به تاریخ پیدایش اندیشه های سوسیالیستی در اروپا اشاره می کند، و سپس کوشش می کند که تفاوت اساسی سوسیالیسم و کاپیتالیسم را از لحاظ مضمون اجتماعی و تفاوت بنیادی سوسیالیسم و "اندیویدوالیسم" را از جنبه اخلاقی انسانی بیان کند (شماره یکم، صفحه 11). در پی این بحث، مجله در شماره بعد سعی می کند که مفاهیم "کلکتیویسم" و "کمونیسم" را توضیح دهد و نشان دهد که سوسیالیسم مرحله عالی تری در تکامل جامعه بشری است (شماره دوم، اول دلو- بهمن 1301، صفحه 9).

بدین ترتیب فعالیت حزب، چه در بخش سازمانی حزبی و کمک به تشکل و پیشرفت جنبش کارگری و اتحادیه ای، و چه در بخش ایدئولوژی و ترویج افکار مارکسیسم- لنینیسم، رفته رفته در حال پیشرفت بود. لیکن رویدادهای کشور بسرعت رو به تغییر بود. برای توضیح مختصر وضع سیاسی در کشور، شرایط مقدماتی تشکیل کنگره دوم حزب، جریان کار کنگره و تصمیمات آن، صفحات مربوط از کتاب رفیق فقید عبدالصمد کامبخش را خلاصه می کنیم: رونق کار حزب را **رضاخان** بالقوه برای خود و حکومت دیکتاتوری که پی ریزی می کرد، خطری می دانست. لذا همین که اندکی خود را مستقر یافت، بر شدت حمله به کمونیست ها افزود. چند روز قبل از انقراض سلطنت قاجاریه، (دوران صدراعظمی رضاخان) آخرین روزنامه حزبی- **روزنامه نصیحت** توقیف و مدیرش **واعظ کیوانی** به تهران احضار شد و شب نهم آبان 1304 (انقراض سلطنت قاجاریه) جلوی مجلس به قتل رسید. از این تاریخ حمله گسترده به سازمان های حزب آغاز شد و از آن پس کمونیست ها تحت تعقیب و فشار دائمی پلیس رضا خانی قرار گرفتند. در این موقع حزب از داخل نیز دچار بحران شده بود. از همان آغاز فعالیت سرتاسری حزب (انتقال مرکز فعالیت عملی رهبری به تهران) موضوع روش نسبت به رضاخان در داخل حزب مطرح بود. در آن دوره در نظر اکثریت مردم، رضا خان کسی بنظر می رسید که گویا دست سید ضیاء الدین عامل امپریالیسم انگلیس را کوتاه کرده، اقداماتی برای تقویت حکومت مرکزی بعمل آورده، راه را برای فعالیت نیروهای مترقی و حتی حزب کمونیست مسدود نساخته بود. ولی عملیات بعدی رضا خان کاملاً از روی ماهیت حکومت او پرده برداشت. او که با حیله و دورویی از **شعار جمهوری** (آن زمان بین توده های مردم هواداری زیادی داشت) استفاده کرده بود، با تشکیل مجلس موسسان خود را شاهنشاه ایران اعلام کرد. حملات پی در پی نیروهای ارتجاعی قوت می گرفت و راهی برای فعالیت نیروهای مترقی باقی نمی گذارد. **اختلاف نظر در درون حزب پیرامون ارزیابی حکومت رضا خان شدت یافت.** وجود نداشتن نظر واحد در خط مشی عمومی حزب موجب آشفتگی فکری شد. بدنبال آن آشفتگی سازمانی نیز آغاز گردید. در رهبری حزب دو گانگی بوجود آمد. هیئت موقتی 3 نفری، که برای اداره امور سازمانی بوجود آمد، از طرف عده ای از رهبران سابق به رسمیت شناخته نشد و در درون حزب دو گانگی رهبری حکمفرما گشت. این وضع ایجاب می کرد که هر چه زودتر کنگره حزب تشکیل شود.

با تشکیل کنگره دوم حزب، بنام **کنگره ارومیه** در سال 1306، مرحله دوم این دوران از فعالیت حزب کمونیست ایران آغاز شد. مهمترین مسئله همانا موضوع ارزیابی حکومت رضا شاه و چگونگی رویه سیاسی حزب بود. چیزی که درک مسئله را برای برخی دشواری ساخت، عدم احاطه به جریانات عمومی جهانی و **عدم اطلاع از تغییراتی** بود که در **سیاست امپریالیسم انگلیس** بوجود آمده و دولت انگلیس موفق شده بود خطوط اصلی آن را مدتی مستور نگاهدارد.

سیاست سنتی انگلیس در ایران و اغلب کشورهای مستعمره و غیرمستعمره جلوگیری از تمرکز نیرو در دست **حکومت مرکزی**، تضعیف این حکومت و تهدید آن از طریق مسلح ساختن ایالات و شوراندن آن ها در مواقع لازم بود، تا بدینوسیله همیشه اختیار حکومت مرکزی را در دست خود نگاهدارد. پیروزی های قطعی انقلاب اکتبر و حکومت جوان

شوروی، منظره بین المللی را دگرگون ساخت. امید امپریالیسم به پیروزی ضد انقلابیون داخلی روسیه برآورده نشد. لشکرکشی چهارده دولت امپریالیستی علیه جمهوری جوان شوروی شکست خورد. برای مبارزه علیه سوسیالیسم پیروز نقشه دراز مدت لازم آمد. نقشه تضعیف اقتصادی و سیاسی دولت شوروی و محاصره آن در نوبت اول قرار گرفت. برای اینکه حلقه سستی در این زنجیره محاصره وجود نداشته باشد، حکومت های نسبتاً نیرومند و متمرکز در اطراف اتحاد شوروی لازم بود. ایران یکی از این حلقه های محاصره بود. رویدادهای سیاسی آن روزی ایران، از کودتای سوم حوت و اخراج سید ضیاءالدین تا به تخت نشستن رضا خان، می بایستی از زاویه این وضع نوین و مورد بررسی قرار می گرفت، و حال آنکه مبنای تحلیل بسیاری از نیروهای مترقی، و از آن جمله عده ای از رهبران حزب، همان سیاست سنتی سابق انگلیس بود.

### در قطنامه کنگره گفته می شود:

"عده ای از رفقا چه در ایران و چه در خارجه دچار اشتباهات شده و عقیده داشتند رضا خان بر علیه امپریالیسم انگلیس مبارزه کرده است. ولی حقایق مسلمه ای که در عرض چند سال جمع شده بود، علناً مخالف این تصورات بود."

این عده از رهبری حزب در تحلیل پایگاه اجتماعی و طبقاتی حکومت رضا خان نیز دچار خطا بودند. آن ها تغییراتی را که در موضع طبقاتی شخص رضا خان و حکومت او پیدا شده بود، درک نمی کردند. آن ها ( جناح راست ) با تزه های خود به کنگره آمده بودند، که خلاصه آن اینست:

"کودتای رضا خان ( منظور برانداختن قاجار و اعلام سلطنت پهلوی است ) معنایش سقوط حکومت فنودالی و استقرار حکومت بورژوازی است". این کودتا "مبدا جدیدی در تاریخ معاصر ایران است".

در صورتی که حکومت رضا شاه در واقع متکی به طبقه بزرگ مالکان و قشر بورژوازی کمپرادور دلال امپریالیسم بود. از این رو نیز در تزه های سیاسی کنگره دوم در این مورد گفته می شود:

"رضا خان هنگامی که برای تصرف حکومت مبارزه می کرد، حقیقتاً کوشش نمود که به بورژوازی ملی اتکاء نموده و حتی با عناصر جمهوری طلب و تشکیلات طبقه پرولتاریا نیز مغالزه و عشوه فروشی می نمود. اما عملیات او هیچوقت از دایره مبارزه برای تصرف حکومت در قالب رژیم فنودالی و ملاکی خارج نشد... این حقیقت که در موقع کودتای رضا خان ( منظور به سلطنت رسیدن است. ع.ک ) طبقه فوقانی بورژوازی از او تقویت کرد و حالا هم تا حدی تقویت می کند، بورژوازی بودن سلطنت رضا خان را ثابت نکرده، بلکه ظاهر می کند که رضا خان با کمال مهارت توانست اساس رژیم ملاکی فنودالی را با کمک و مساعدت طبقه فوقانی بورژوازی محکم نماید".

در تزه های کنگره کوشش شده است به گرایش دیگری هم که در درون حزب وجود داشت، پاسخ داده شود. عده ای معتقد بودند، کاری که رضا خان کرد، صرفاً یک کودتای درباری بود و هیچگونه محتوی اجتماعی- طبقاتی نداشت. تزه های کنگره این نظر را نیز رد می کند و متذکر می شود:

"اشتباه محض است اگر کودتای رضاخان را مانند یک کودتای درباری تصور نمایم".

جناح راست رهبری حزب از تحلیل خود دو نتیجه نادرست می گرفت: یکی اینکه با وجود حکومت رضا شاه تحول مسالمت آمیز به اصطلاح آن زمان "ترقی صلح آمیز" بمرحله بعدی ممکن است و دوم اینکه در مبارزه علیه امپریالیسم تا درجه زیادی می توان به حکومت رضا شاه تکیه کرد. تزه های کنگره این بحث را نیز بشرح زیر جمع بندی می کند:

"درس و تجربه واضحی که از مسئله کودتای رضا خان گرفته می شود عبارت از آن است که این کودتا و مخصوصاً رژیم سیاسی که بعد از آن برقرار گردیده، هر تصور واهی را راجع به امکان یک ترقی صلح آمیز مبارزه طبقاتی در ایران برطرف نموده است".  
و درباره نتیجه دوم:

"از روزی که رضا خان بر عرصه سیاست قدم گذاشت" متکی به انگلیس بود. ولی تا سال 1925 (1304) خیلی ها به این حقیقت پی نبرده بودند. بعد از خفه نمودن شورش های توده زحمتکشان، و بعد از تاجگذاری، اتحاد محکمی میان رضا خان و انگلیس بسته شد. بنابراین هر گاه بگوئیم که در ردیف مدافعین تخت و تاج سلطنت رضا شاه پهلوی، که عبارت از اعیان و اشراف و روحانیون و یک قسمت از بورژوازی کمپرادور (یعنی بورژوازی دلال تجارت خارجی) امپریالیسم انگلیس هم جا گرفته است، اغراق نگفته ایم... این مسئله منافی با آن نیست که گاهی نیز رضا شاه برخلاف سیاست استعماری انگلستان در تحت فشار ملت مجبوراً قدم هائی بردارد (قرارداد با روسیه شوروی)".

یکی از بحث های علمی که آن زمان حزب را بخود مشغول ساخته بود، موضوع رشد سرمایه داری در ایران و چگونگی گذار جامعه از این مرحله بود. تزه های کنگره به این مطلب بشرح زیر پاسخ می دهد:

"در ایران شرایط عمومی ترقی سرمایه داری هنوز موجود نمی باشد، زیرا ایران هنوز دوره تجمع اولیه سرمایه را طی نکرده و برعکس بواسطه کسر دائمی صادرات نسبت به واردات هنوز سرمایه قابل توجهی ذخیره نشده است... به این جهت ترقی سرمایه داری در ایران با بودن رژیم حاضر فقط از طریق ضمیمه شدن به سیستم کنفی های (مستعمرات) انگلیس ممکن می باشد...

هرگاه در نظر گرفته شود که مهمترین موسسات درشت اقتصادی مملکت از قبیل بانک و تلگراف، نفت و غیره در دست انگلیس ها تمرکز یافته است، معلوم خواهد شد که هرگونه حرفی راجع به توسعه سرمایه داری و ترقی صنایع در ایران بی اساس و بی معنی است. هرگاه ایران بخواهد در مقابل دول امپریالیستی حقیقتاً دارای استقلال کامل بوده و مبدل به یک مستعمره سرمایه داری انگلیس نشود، بر او لازم است (و او برا این کار قادر است) که از طریق سرمایه داری صرف نظر کند".

باید گفت، پاسخی هم که کنگره بموضوع مورد بحث آن روز داده است، خالی از اشتباه نیست. این اشتباه بصورت کم ارزش دادن به تجمع اولیه سرمایه، عدم توجه کافی به نقش رقابت بی امان سرمایه های امپریالیستی و بالاخره در نظر نگرفتن تناسب نیروها در عرصه بین المللی و سیرانقلاب سوسیالیستی در جهانست. یکی دیگر از مسائل مهم مورد بحث کنگره، مسئله ملی در ایران بود. ایران کشوریست که در آن اقوام و خلق های گوناگون زندگی می کنند. در مرانامه سابق حزب (تزه های بنام حیدرخان درباره "وضع اجتماعی، اقتصادی ایران و تاکتیک حزب کمونیست") باین مسئله مهم توجه لازم نشده بود. امروز که شصت سال از تاسیس حزب کمونیست ایران می گذرد، هنوز برای خیلی از اندیشمندان و نیروهای اجتماعی و سیاسی کشور این مسئله بقدر کافی روشن نیست. کنگره حزب خواه در تزه های خود و خواه در برنامه حزب، که تصویب کرد، خط مشی روشنی در این زمینه اتخاذ کرد. در تزه های کنگره گفته شده است:

"حزب کمونیست ایران باید مطالبات و شعارهای عمومی تمام احزاب کمونیستی دنیا را راجع به مسئله ملی، یعنی حق هر ملت بر استقلال کامل خود را جزء برنامه خود قرار دهد".

و در برنامه حزب حق تعیین مقدرات خلق های ساکن ایران برای اولین بار بصراحت ذکر گردید. حزب کمونیست ایران از آن پس همواره در فعالیت سازمانی و ایدئولوژیک خود، مخالفت با اعمال سیاست تبعیض و ستم ملی، طرفداری قطعی از اتحاد داوطلبانه خلق های ساکن کشور در چارچوب حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران را بیان داشته است. در

توضیح برنامه حزب درباره مسئله ملی، پس از نقل سخنان لنین ( آنجا که می گوید: اگر ما آزادی جدا شدن برای همه ملت های مظلوم و نابرابر حقوق، بدون استثناء طلب می کنیم، این بهیچوجه بدان جهت نیست که ما هوادار جدا شدن آن ها هستیم، بلکه فقط بخاطر آنستکه ما طرفدار نزدیکی و پیوند آزاد و داوطلبانه آن ها هستیم، نه پیوند بزور) مجله ستاره سرخ اضافه می کند:

"آری، ما مخالف مرکزیت غیردمکراتیک، مخالف مرکزیت به زور هستیم". (ستاره سرخ، شماره 3-4، خرداد - تیر 1308، صفحه 44).

کنگره دوم برنامه حزب را نیز تحت عنوان "پروگرام عملیات حزب کمونیست ایران" و همچنین نظامنامه حزب را تصویب کرد. در مقدمه این برنامه، در مسئله ارضی، محو کامل بقایای رژیم ارباب- رعیتی ( فئودالیسم) و در مرحله اول الغای اصول بزرگ مالکی و تقسیم بلاعوض زمینهای دولتی ( خالصه ) وقف و مالکان بزرگ بین روستائیان در نظر گرفته شده است. در برنامه ویژه تصریح شده است:

"واگذار نمودن کلیه املاک دولتی و ملاکین بزرگ و موقوفات بلاعوض به دهاقین، ضبط املاک شاه و اشراف و خوانین و تقسیم آن ها میان دهاقین".

برنامه مصوبه کنگره دوم، که مشتمل بر مقدمه، بخش سیاسی، بخش اقتصادی، سیاست ارضی حزب، بخش مربوط به قوانین راجع به کار، کارفرما و اتحادی های کارگری، بخش اجتماعی، سیاست مالی حزب و بخش مربوط به تشکیل شرکت های تعاونی است، در مجله ستاره سرخ، ارگان حزب بچاپ رسیده است نه ترها و نه برنامه حزب عاری از نارسائی ها و بویژه دور از اشتباه همه گیر آن زمان، یعنی چپ روی نیست. با این حال، هر دو سند بر مبنای کلی تحلیل مارکسیستی تنظیم شده و از اسناد مهم جنبش رهائی بخش ملی ضد امپریالیستی مردم ایران است.

کنگره دوم از مبارزه درون حزبی نتیجه گیری های سازمانی بعمل آورد. **جلیل زاده** و عده ای دیگر را، که در انحرافات خود پافشاری می کردند و موجب دوگانگی در داخل حزب بودند، از صفوف حزب اخراج کرد. کنگره کمیته مرکزی نوینی انتخاب شد:

**آخوند زاده، سلطانزاده، حسین شرقی، نیک بین، پیشه وری، سیفی** و دیگران وارد کمیته مرکزی گردیدند.

نتیجه عمده کار کنگره دوم ایجاد وحدت ایدئولوژیک و سازمانی در حزب بود. در نتیجه، کار سازمانی و تبلیغاتی حزب گسترش یافت. در کنفرانس ها و جلسات عمومی، که با حضور نمایندگان کمیته مرکزی برگزار می گردید، کمیته های ایالتی و ولایتی نوین انتخاب شدند. به نواحی فاقد سازمان حزبی نمایندگانی اعزام گردید. کار سازمانی با وجود شرایط ترور و تعقیب پلیس رونق گرفت. مجله ستاره سرخ در نخستین شماره خود متذکر شد که کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران، با در نظر گرفتن آرزوی خیلی از سازمان های حزبی، تصمیم گرفت که ارگان علمی حزب را چاپ و منتشر سازد، تا اعضای حزب بتوانند از نزدیک با نظریه و عمل مارکسیسم- لنینیسم آشنا شوند. (شماره 1-2، سال اول، 1308)

یکی از جنبه های چشمگیر مجله ستاره سرخ ترویج اندیشه های نظری مارکسیسم- لنینیسم در ارتباط نزدیک با رویدادهای زندگی روزانه مردم ایران و جهان بود. از این نوع مقالات بویژه باید از مقاله انتقادی پیرامون وضع "**مطبوعات مزدوردرباری**" شماره (3-4)، وظایف اساسی حزب کمونیست ایران در مبارزه در راه اتحاد کارگر و دهقان و ایجاد حکومت کارگری ( شماره 7-8 )، وظائف حزب در روستا ( همانجا ) کار در ارتش ( همانجا ) ایجاد و نشر مطبوعات کارگری ( همانجا ) و بویژه مقاله مربوط به "اولین وظیفه اساسی حزب"، یعنی "تبدیل آن به حزب توده ای پرولتری" ( همانجا ) را باید نام برد. از مقالات روزنامه پیکار نیز ( که در اجرای تصمیمات کنگره دوم شروع با انتشار کرده بود) بویژه

باید از ضمیمه شماره یکم ( 24 بهمن 1309) مقاله انتقادی "خطرروس و جریده "ملی" ایران" (شماره 2)، " ایران و جنبش کارگری انگلیس" ( شماره 7 ) "انقلاب ملی عبارت از چیست و چرا ما طرفدار آن هستیم" (شماره 8 ) " ما چه می خواهیم" (شماره های 8-9-10) را نام برد. **روزنامه پیکار** ( شماره 9، مورخه 23 تیر 1310) خبر جنایت مدتش رژیم رضا خان، یعنی "**خفه کردن مدرس**" را منتشر کرده، سپس ( شماره 15 مورخه 22 مهر 1310) در جواب **سید حسن موسوی** نامی ( که درصدد تکذیب خبر و تبرئه حکومت رضا شاه بود) پرده از روی جنایات رژیم برمی دارد و ماهیت رژیم خونخوار را بیش از پیش افشا می کند.